

بازجست جایگاه حقوق زن در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

در مقایسه با سند ۲۰۳۰

علمی - پژوهشی

* حسن خداوردی

** رحمان ولی زاده

*** محمد علی خیرالهی

چکیده

سالهست جوامع بین‌المللی به دلیل مشکلات ورخدادهای فاجعه آمیز درحق زنان، به چاره اندیشی روی آورده که حاصل آن اسنادی است که باهدف گذرازبحرانهای فراروی بشر و رسیدن به توسعه پایداروبه نوعی دگرگون ساختن جهان ما، تدوین شده است. با این رویکرد درسال ۲۰۱۵ سند ۲۰۳۰ ارائه شد. این سنددارای ۱۷هدف کلی ست که هدف از انجام این پژوهش، بررسی اهداف چهارم، پنجم وهشتم بامحوریت حقوق زنان ازجمله تضمین حق آموزش برابر،دستیابی به تساوی جنسیتی واشتغال می پردازد. باتوجه به این که پیوستن به این اسنادوپذیرش آنهاذرحصنه های بین‌المللی آثاروتبعاتی برای کشورهای عضو به دنبال خواهدداشت، پژوهش حاضر وضعیت اهداف ذکرشده را درفقه وحقوق اسلامی با روش توصیفی و تحلیلی مورد واکاوی قرارداده وضمن بررسی حقوق زنان مشخص نمودیم در دین مبین اسلام حقوق یاد شده به عنوان حقوق مسلم لحاظ گردیده وقانون گذاران کشورنیز بر همین اساس به وضع قوانین پرداخته اند. وبامدافه دریافتیم که نه تنها معایب پنهان اسناد بین‌المللی رانداشته بلکه به اشکال مختلف حقوق زنان جامعه را به رسمیت شناخته است.هرچند در اجرای قوانین با چالشهایی مواجه هستیم. وبابرسی به این نتیجه می رسیم که با وجود قوانین فقهی و حقوقی کشورنیز به اسنادی که بدون توجه به ساختار فرهنگی، دینی، سیاسی واجتماعی کشورهازجمله کشورما تدوین شده اند، نیست.

کلید واژه‌ها: سند ۲۰۳۰، حقوق زنان، حق آموزش، تساوی جنسیتی، اشتغال

تاریخ وصول: (۱۴۰۲/۰۳/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۲/۰۸/۲۰)

Hasankhodaverdi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

Valizadeh.rahman@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

M.۰۹۱۱۱۱۲۵۰۳۲@gmail.com

۱- مقدمه

سند ۲۰۳۰ یکی از آخرین نسخه های اسناد بین المللی توسعه است که در سال ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان، سند ۲۰۳۰ مصوب شد. براساس آنچه این سند مدعی آن است نقشه راه جامعه بین المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می کند. (پیروزنیک، ۱۳۹۶، ۹). پژوهش حاضر که با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای؛ مشاهده متون، خصوصاً مشاهده سند و تجزیه و تحلیل و تطبیق آن با مسائل ومبانی فقهی وحقوقی صورت پذیرفته است به بررسی سه هدف، چهارم (تضمین کیفیت آموزش فراگیر وعادلانه و ایجاد فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه) هدف پنجم (دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران) وهدف هشتم (ترویج رشد فراگیر و پایدار اقتصادی، اشتغال کامل و مولد و شغل مناسب برای همه) ازاهداف هفده گانه سند ۲۰۳۰ به نگارش درآمده است. با توجه به موضوع پژوهش پرسشی که مطرح می شود آن است که با دقت نظر در قواعد وقوانین فقهی موجود در دین مبین اسلام وهمچنین براساس حقوق وقوانین موضوعه واسناد بالادستی در کشور ایران آیا ما واقعا نیازمند به اقدام عملی و اجرایی این سند در کشور هستیم؟ نظر دین مبین اسلام وقوانین جاری کشور اعم از قانون اساسی واسناد بالادستی پیرامون این سه هدف ذکر شده در سند ۲۰۳۰ چیست؟ گرچه به لحاظ بررسی درپیشینه پژوهشهای صورت گرفته نویسندگان متعددی سعی در کاوش نقاط پنهان سند ۲۰۳۰ نموده اند، اما باتوجه به گستردگی موضوعات هفده گانه ی سند وجدید ونوین بودن آن، به این موضوع پژوهشی ما که تمرکز آن بر سه هدف در ارتباط با حقوق زنان است، توجهی نشده است. این پژوهش با استناد به آیات کریمه ی قرآن وقوانین متقن فقهی وحقوقی، جهت دستیابی علمی به نتیجه ی مطلوب تر انجام گرفته است. به عنوان مثال: در پژوهشی که توسط ابنای ولیراوی باعنوان " بررسی تطبیقی سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار سازمان یونسکو وموازین اسلامی، ایرانی" صورت گرفته به صورت کلی به پیامدهای اجرایشن سند در کشور ما پرداخته است ونهایتا به این نتیجه رسیده است که: " اجرای سند هدف دار ۲۰۳۰ عمل کامل به فرهنگ غربی وچیرگی آن بر فرهنگ ما است." در این پژوهش همانطور که ذکر شد اصلا به سه هدف مورد اشاره در رابطه با موضوع زنان و حقوق حقه آنان در فقه وحقوق کشور پرداخته نشده است. (ابنای ولیراوی ۱۳۹۹، ۱۵) یا در پژوهشی دیگر، غمامی، ونیلوفر مقدمی خمایی باعنوان "چالش های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار سند ۲۰۳۰" باز هم مانند پژوهش قبلی، بدون بررسی های فقهی وحقوقی وبررسی جایگاه زنان در سند ومقایسه آن با قوانین فقهی وحقوقی کشور وبدون توجه خاص به اهداف چهارم و پنجم و هشتم، به این نتیجه رسیده است که: " این سند محملی برای استثمار واستعمار دول ضعیف بوده است وتبعات سنگین وجبران ناکردنی برساختار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشورهای در حال توسعه برجای می گذارند." که در این پژوهش نیز تمام اهداف این سند بصورت خیلی کلی مورد توجه قرار گرفته است. (غمامی و

مقدمی خمایی (۱۳۹۸، ۱۳) همچنین صادقی سبزواری در پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر سند ۲۰۳۰ بر خانواده بارویکرد فقه حکومتی" بدون بررسی حق آموزش، یا عدالت جنسیتی و یا اشتغال، فقط پیامدهای متصوره اجرا شدن این سند را در مجموعه نهاد خانواده در کشور مورد توجه و مذاقه قرارداد و نتیجه گیری نموده که: "سند ۲۰۳۰ مدیریت دستاوردهای آزادی لیبرالیسم... می باشد". (صادقی سبزواری، ۱۳۹۸، ۱۱) بنابر این آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌های پراکنده در مورد حقوق زنان بصورت خاص برتری می بخشد، بررسی همه جانبه موضوع حقوق زنان در سند ۲۰۳۰ با توجه به سه هدف اصلی آن است. بررسی دقیق محتوای این سه هدف در آموزه های دین مبین اسلام و آیات کریمه قرآن و نظر مفسرین و حقوق موضوعه و اسناد بالادستی اعم از قوانین عادی و قانون اساسی، سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور و... از جنبه های بدیع و نوآورانه این پژوهش است که می تواند بر اساس بررسی ها و یافته های علمی متقن، چراغ راهی باشد برای متولیان امور سیاسی و فرهنگی کشور، که پیش از این به این سبک و گستردگی به آن پرداخته نشده بود.

۲- تاریخچه سند ۲۰۳۰

بدون شک پیشینه دور ۲۰۳۰ به آغاز دوره تجدد و شکل گیری آن بر می گردد. (آشتیانی، ۱۳۹۲، ۷۵). از حدود دهه ۴۰ تا ۵۰ قرن بیستم به بعد، مسئله توسعه و نظریه پردازی آن طرح گردید. اما در همان دهه، رفته رفته مشخص گردید که بخشی از جهان به سمت مقرر و مورد نظر غرب به لحاظ تاریخی، حرکت نمی کند. در صورتی که فرض بر آن بود که جهان سوم، سنتها و فرهنگ خود را رها نموده و به سمت مورد نظر غرب برود اما در عمل آن اتفاق نیفتاد. در این زمان برای اولین بار، مفهوم توسعه و مفهوم کشورهای عقب مانده، به وسیله ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا ابداع گردید. (کچویان، ۱۳۹۰، ۸۶) تحت تأثیر چنین دیدگاهی و با محوریت ایالات متحده دو طرح در جهان اجرایی شد. نخستین آن طرح مارشال به عنوان یکی از موفق ترین پروژه های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با عنوان کمک به کشورهای صدمه دیده از جنگ مطرح شد. این طرح در دهه ۱۹۶۰ با انگیزه هایی سیاسی - اقتصادی طرح گردیده و اهدافی مانند: افزایش کارایی و عدالت، فقرزدایی، حقوق بشر را در خود داشت، البته در نهایت طرح به ابزاری جهت استثمار کشورهای جهان سوم و گسترش فقر و عقب ماندگی بدل شد که در جای خود باید مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد. (باقرزاده، ۱۳۸۸، ۱۴) و دومین طرح، همین طرح "دگرگون ساختن جهان ما، دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه ی پایدار" می باشد. دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، در شرح این سند بیان داشته: این

دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد... نقشه راه جامعه ی بین المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می کند." (پیروznیک، ۱۳۹۶، ۹). در واقع این سند، از پروژه های سازمان ملل متحد جهت هماهنگی و یکسان سازی فرهنگ ها و جهانی کردن ملل تحت عنوان "توسعه پایدار" با داشتن اهداف اصلی و فرعی، به پیشنهاد کشور آمریکا، به یونسکو ارائه شد.

۲-۲- حقوق زنان در سند ۲۰۳۰

در دهه های اخیر، سازمان های بین المللی، توجه فراوانی به مسئله زنان داشتند و جنبش های متعددی در گوشه و کنار جهان فعال شده است که اندیشمندان و نهاد های بین المللی رانیز در جهت حمایت و بازسازی موقعیت زنان در زندگی اجتماعی برانگیخته اند. (باقری، ۱۳۸۲) با دقت در اهداف چهارم، پنجم و هشتم، از این سند نیز به روشنی این موضوع را می یابیم و در ادامه پژوهش به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۳- حق آموزش در سند ۲۰۳۰

با بررسی هدف چهارم از این سند که بیان می کند: "تضمین کیفیت آموزش فراگیر و عادلانه و ایجاد فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه" در توضیح حق آموزش، چنین گفته شده است: حق آموزش یا حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه ای می باشد (هاشمی ۱۳۸۴، ۵۰۱). این حق می تواند مبنای همه حقوق باشد (قاری، سید فاطمی ۱۳۸۸، ۳۰۵). چرا که بر خلاف دنیای قدیم، امروزه خانواده به تنهایی قادر نیست تمام آموزش های لازم را به فرزندان خود منتقل کند. زیرا زندگی معمولی در جهان امروز مهارت هایی را نیاز دارد که انتقال آن ها به فرزندان از توانایی خانواده خارج است. بدین علت ضرورت تأکید بر این حق اهمیت می یابد. حال منظور از حق آموزش در اهداف سند ۲۰۳۰ که در واقع "تغییر نظام آموزشی کشورها و یکسان و همانند سازی آن با علایق و خطوط فکری و فرهنگی یکسان غربی، مد نظر تئوریسین های تعلیم و تربیت غرب و نظام جهانی می باشد، است. (مصفا، ۱۳۹۵، ۱۴) این بخش از اهداف سند بیان می دارد که "باید برای مردمان خود فارغ از جنسیت، قومیت، سن و هرگونه تفاوت و تبعیض جهت امکانات مساوی، با کیفیت بالا و مادام العمر تحصیل فراهم کنند". (پیروznیک، ۱۳۹۶، ۲۵) به تعبیر دیگر از مهم ترین اهداف این بخش از سند همانطور که بیان شد، توانمند سازی همه زنان و دختران می باشد؛ که حق آموزش و تحصیل و برخورداری از فرصت

های برابر (تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران) را برای آنان در نظر داشته است.

۴-۲- تساوی جنسیتی در سند ۲۰۳۰

واژه "Gender" یا همان "جنسیت" ۵ بار در متن سند ۲۰۳۰ تکرار شده که در بیشتر موارد در این سند به وضوح فقط به زن و مرد اشاره می‌کند. اما این کلمه می‌تواند، حقوق افراد تراجنسیتی و دیگرآرمان‌های بحث برانگیز را نیز بر اساس اینکه این لغت چگونه تفسیر و مورد استفاده قرار می‌گیرد، در درون خود داشته باشد. (آذربایجانی، ۱۳۸۸، ۳۶) اغلب به جای "Sex" استفاده می‌شود تا جنسیت‌های مختلف شناخته شوند. اگر چه کشورهای توسعه یافته و ادارات سازمان ملل که همواره در راستای پیشبرد حقوق مردان و زنان همجنس باز، دو جنس گراها و افراد تراجنسیتی تلاش می‌کنند، لغت "Gender" که در این برنامه آمده است را طوری تفسیر می‌کنند تا بتوانند حقوق تراجنسیتی و جنسیت‌های مختلف مانند هر کدام از ۵۰ نوع جنسیت به رسمیت شناخته شده توسط فیس بوک را به پیش برده و ترویج کنند. واژه "تساوی جنسیتی" "Gender equality" نیز ۸ بار در سرتاسر سند ۲۰۳۰ مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مسئله‌دارترین اشارات به کلمه "Gender" در برنامه ۲۰۳۰، هدف ۱۷ می‌باشد که خواستار "دسترس‌ی به داده‌ها و اطلاعات به موقع و موثق در حوزه‌های مختلف مانند: ... جنسیت ... است. در طول مذاکرات آرمان‌های توسعه پایدار، پیشنهادات مبنی بر جایگزینی "Gender" با "Sex" در این هدف، شدیداً از طرف کشورهایی که بیشترین فعالیت را در زمینه ترویج حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها دارند، رد شد. (شارون اسلیتر، ۱۹۹۹، ۹۷). مهم‌ترین مفاهیم آموزش جنسی در سند ۲۰۳۰ شامل آموزش‌های جامع جنسی، برابری جنسیتی، رفع کلیه اشکال تبعیض مرتبط با جنسیت و رفع کامل شکاف جنسیتی در آموزش عالی است. (پورمنوچهری، آبانگاه، ۱۴۰۱، ۱۶) نهایت اینکه آنچه در این پژوهش بصورت اختصاصی مورد مذاقه قرار گرفته دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی تمام زنان و دختران موضوع هدف پنجم است که البته زیربنای تمامی اهداف ۱۷ گانه ی سند نیز می‌باشد.

۲-۵- حق اشتغال در سند ۲۰۳۰

سومین کلید واژه در این پژوهش که از اهمیت فراوانی برخوردار است، واژه "اشتغال" می‌باشد. در زبان فارسی به معنای "به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن، به کاری سرگرم شدن"، (دهخدا، ۱۳۷۳، ۲: ۲۲۲۶). پرداختن به کاری، سرگرم شدن، سرگرمی و گرفتاری است (معین، ۱۳۷۱، ۱:

۲۴۳) در اصطلاح عبارت است از: کار می تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می سازد. (گیدنز، ۱۳۸۷، ۵۱۷). (فرهنگ، ۱۳۶۶، ۶۵۲). کار یکی از عوامل تولید که در بر گیرنده تمامی فعالیت های اقتصادی انسان اعم از فکری، یدی، تخصصی و غیرتخصصی برای تولید ثروت می شود (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ۵۷۴). آنچه مراد و منظور بحث ما در این پژوهش است فراز پایانی از هدف ۸ سند ۲۰۳۰ است که بیان می دارد ... "اشتغال شرافتمندانه برای همه" البته با این توضیح که این اشتغال جهت "ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره ور" می باشد. منظور از "اشتغال شرافتمندانه برای همه، اشتغال شرافتمندانه برای همه ی زنان و مردان می باشد. البته با نگاه اجمالی به اهداف ۱۷ گانه این اطلاق را در اکثر اهداف می توان به راحتی استنباط و مشاهده نمود. مقصود از "زنان" به طور مشخص جنس مؤنث در مقابل جنس مذکر است و شامل سه گروه خاص می شود: زنان متأهل، زنان سرپرست خانواده و زنان مجرد. در این پژوهش اشتغال زنان شامل هر سه گروه می شود.

۳- حقوق زنان در آموزه های دینی و فقهی

از منظر اسلام، همانگونه که شوهران بر زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آن را انجام دهند، متقابلاً زنان نیز بر شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است به آن عمل کنند: "وَأَلْهِنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ.." (بقره، ۲۲۸) این چنین نیست که حقی بر زن باشد که بر مرد نباشد. منظور از این مماثلت، اصل حق است، یعنی تماثل در حقوق است نه تساوی در حقوق. قرآن کریم "موده و رحمه" را عامل تشکیل خانواده قرار داده است: یکی مودت عاقلانه نسبت به هم ودیگری گذشت عاطفی از اشتباهات یکدیگر. به مردان که مسئول خانواده هستند، دستور می دهد که با زنان به نیکی رفتار کنند: "عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ". (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۶۲) از جمله حقوق زن بر شوهر، با توجه به آیات قرآن کریم عبارتند از: - رفتار شایسته: خداوند می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ..." ... با آنان (همسران تان) به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید... (نساء، ۱۹) همان گونه که باید با مرد به معروف رفتار کرد، باید با زن هم به معروف رفتار کرد و هیچ فرقی بین زنان و مردان نیست. - مسکن: خداوند می فرماید: " أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ " (طلاق، ۶). در تفسیر این آیه آمده است: زنان را در همان خانه هایی که به اندازه وسع خود تهیه کرده اید، مسکن

دهید. حق ندارید ضرری متوجه آنها کنید، تا سکونت در آنجا برایشان دشوار شود و نباید از نظر مسکن، پوشاک و ... آنها را در مضیقه قرار دهید. -نفقه: خداوند متعال طبق آیه "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا" مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می‌پردازند. (نساء، ۳۴) زمام خانواده را به دست مرد داده است. در مسائل اجرایی و تقسیم کار، بدن نقش دارد، نه در درجات معنوی، غیبی، علم، کرامت و ... مسئله نبوت و رسالت، مرجعیت کارهای اجرایی است. در کارهای اجرایی مسئولیت با مرد است؛ چون مال دست او، و تأمین نفقه و روزی با او است. - مهریه یا صداق: در آیه "وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً" (نساء، ۴). کلمه "نحله" از "نحل" به معنای زنبور عسل است که به مردم عسل می‌بخشد و توقعی هم ندارد، به هدیه هم "نحله" گفته می‌شود. بعضی از مفسران "نحله" را به معنای "دین" گرفته‌اند، یعنی مهریه، دین و بدهی قطعی مرد است. (رشید رضا، ۱۳۰۳، ۱۴۲) آیه فوق به یکی از حقوق مسلم زنان اشاره کرده و تأکید می‌نماید، اگر نحله به معنای بدهی باشد، یعنی مهر زنان را به طور کامل همانند یک بدهی بپردازید و مراقب باشید که چیزی از آن کم نشود. اگر به معنای عطیه و بخشش باشد؛ یعنی مهر را که یک عطیه الهی است و خدا برای آنکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسمی او، از این راه جبران گردد، به طور کامل ادا کنید. به همین دلیل مردان را مورد خطاب قرار می‌دهد که آنچه را به عنوان مهریه برای زنان مقرر کرده‌اید، تصاحب نکنید و به آنها بپردازید؛ چون مهریه مایه تصدیق نکاح، و مایه صداقت طرفین است که این مایه صداقت زندگی است. -ارث: مسئله محرومیت زن از ارث یک امر پذیرفته شده در جاهلیت بود و حتی در جوامع به اصطلاح متمدن کنونی نیز رواج دارد، اما اسلام هم در بخش استقلال اقتصادی و هم در بخش ارث بردن زن، آیه مستقل دارد. (نساء، ۱۱) اسلام در هیچ شرایطی زن را موظف به تأمین نیازهای خود و خانواده نکرده است، بلکه مرد مسئول تأمین نفقه و نیازهای زندگی مشترک است، به گونه‌ای که دو برابر بودن سهم ارث مردان نسبت به زنان، علت مسئول بودن مرد برای تأمین نیازهای زندگی و پرداختن نفقه بیان شده است که در مرحله "تملک"، مرد دو برابر زن مالک می‌شود، ولی در مرحله "مصرف" همواره زن دو برابر مرد بهره می‌برد؛ زیرا زن، سهم و ثروت خود را برای خویش نگه می‌دارد، ولی مرد باید نفقه زن را هم بپردازد و درواقع

نیمی از دارایی خود را صرف زن می کند. پس مردها اختیار دوسوم را دارند، اما از نظر مصرف، هر دوی آنها در آن دوسوم سهیم هستند. در مورد ارث زن و مرد، روایتی از امام صادق (ع) است که می گوید: از امام سؤال کردم: چرا زن بی نوا و ناتوان یک سهم ارث و مرد دو سهم می برد؟ حضرت فرمود: بر زن جهاد، نفقه، دیه و عاقله واجب نیست، بلکه این امور به عهده مردان است. (الحر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۷: ۴۳۷) خداوند سبحان برای پیشرفت زن در جامعه به توسعه اسباب تملک برای زنان (مانند ارث، ایقاع و ...) اقدام می نماید. در قرآن سهم زن، اصل و مفروغ عنه است، نه سهم مرد. (ر.ک: مرتضی مطهری: نظم حقوق زن در اسلام، ص ۲۵۳؛ محمد بن حسن عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۷، صص ۴۳۸ - ۴۳۶)

۴-۴- حق زنان در مجموعه قوانین حقوقی ایران

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان زن در قانون اساسی، مطالب مفصلی آمده است، در قسمتی از این بیان به این عبارتها مواجه می شویم: «... طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود...» و در انتهای همین قسمت از مقدمه قانون اساسی می خوانیم «...زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده است و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراراج مادری در پرورش انسان های مکتبی، پیشاهنگ و خود هم رزم مردان در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود»؛ با این بیانات تردیدی باقی نمی ماند که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اولین اعلامات خود در قانون اساسی و براساس آرمان هایی که در پی تحقق آن است، جز استیفا و ایفای حقوق زنان هدفی و روشی نباید داشته باشد به ویژه اینکه وقتی به اصول قانون اساسی می رسیم، به قسمتی که مربوط به حقوق ملت است، یعنی در فصل سوم، اصل نوزدهم، بیستم و بیست و یکم که به طور خاص به موضوع خانمها اختصاص داده شده و در آن تصریح شده است: " دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تدوین نماید..." (منصور، ۱۴۰۳، ۳۸).

۴-۱- حق آموزش در قانون اساسی

با بررسی قانون اساسی کشور اصول مختلفی با عبارات و بیان متفاوت نه تنها به موضوع حق آموزش

اشاره می‌نمایند بلکه تأکید بر رایگان بودن و عدالت جنسیتی و در پاره‌ای از موارد تخصصاً تأکید بر آموزش زنان به جهت شرایط خاص زنان از جمله نقش آفرینی در خانواده، ساختار جسمی و روحی خاص زنان، شده است. در این قسمت می‌توان به این اصول اشاره نمود: -بند سوم و چهارم اصل سوم و اصل سی‌ام-بند یازدهم اصل سوم- اصل چهل و سوم،- اصل یکصد و چهل و هفتم- اصل یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول گوناگونی بر حق تمامی افراد در آموزش همه علوم تأکید کرده است. به عنوان مثال در بند ۳، اصل سوم قانون اساسی: "آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی". در نظر گرفته شده است. اصل سوم با تأکید بر اصل رایگان بودن آموزش و پرورش بیان می‌دارد که دولت جمهوراسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه (اعم از زن و مرد) در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و تقویت روح بررسی و ابتکار در همه زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان به کار برد. و براساس اصل بیست و یکم: "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را ایجاد کند". (منصور، ۱۴۰۳، ۲۹) درخصوص مولفه‌های حق آموزش در این اصول، میتوان به رایگان بودن، همگانی بودن، اجباری بودن و به عدم تبعیض در میان اتباع کشور اشاره کرد.

۲-۴- حق آموزش در قوانین عادی

از آنجایی که قوانین مربوط به حق آموزش نمایانگر رویکرد جمهوری اسلامی به مسئله‌ی آموزش است در این بخش از پژوهش به بررسی برخی از قوانین مربوطه خواهیم پرداخت: -اساسنامه‌ی نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی: از این قانون می‌توان به عنوان نخستین قانونی که در زمینه قوانین داخلی که بعد از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است، یاد کرد. به موجب این قانون کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی موظف گردیدند تا کلیه امکانات خود را در صورتی که وقفه‌ای در وظایف ایشان وارد نیاید، به منظور ریشه کن ساختن بیسوادی در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه امکانات استفاده کند. -قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی: این قانون یک قانون سازمان

دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است. در ماده ۵ این قانون بحث آموزش فارغ از جنسیت پذیرفته شده است: "برخورداری از آموزشهای عمومی برای کلیه دانش آموزان کشور باید به گونه ای باشد که بر حسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت ها بهره مند شوند" این ماده اشاره ی صریحی به بحث جنسیت در امر آموزش دارد و در واقع آزادی آموزش را فارغ از جنسیت می پذیرد. - قانون برنامه ی چهارم و پنجم توسعه و سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مجموعه ی این چهار قانون، با تأکید مجدد بر امر آموزش و اجباری کردن تحصیل و از بین رفتن بیسوادی، بر این نکته نیز توجه دارند که دولت میبایست به تناسب تأمین امکانات، شرایطی را پدید آورد که به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام میکند تا پایان برنامه های تدوین شده امر آموزش اجباری محقق گردد. (سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، بند ج از ماده ۱۹). - منشور حقوق شهروندی: از دیگر اسناد مهم در حمایت از حق آموزش و پرورش است. در این منشور حق آموزش به عنوان یکی از حقوق مسلم ملت به رسمیت شناخته شده است و نسبت به قانون اساسی به جنبه های بیشتری از حق بر آموزش اشاره شده است. در این سند در ذیل بند "ط" حق آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده ۱۰۴ این منشور بیان گردیده است که "شهروندان از حق آموزش برخوردارند. (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵، ۱۲). - آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴: اهمیت و توجه به حق آموزش در قوانین عادی در نظام حقوقی ایران به حدی است که دولت برای اصلاح شخصیت مجرمان و بازگرداندن آنان به یک زندگی شرافتمندانه بدون در نظر گرفتن جنسیت با گسترش آموزش و پرورش در زندان ها و موسسات وابسته به آنها مورد تأکید قرار داده است. از مجموع قوانین داخلی درباره ی آموزش و پرورش این نتیجه حاصل می آید که علاوه بر توجه قانون گذار اساسی به این مسئله، قانون گذار عادی نیز توجه خاصی را به این موضوع داشته است. معیارهایی که برای دومفهوم حق و آزادی آموزش بیان شد، در این قوانین به خوبی گنجانده شده است.

۵- عدالت جنسیتی

مفهوم «عدالت جنسیتی» به این معناست که در چارچوب قوانین کشور و موازین اسلام جنسیت نمی تواند نفی نفسه موجب برتری و رجحان افراد نسبت به یکدیگر شود. (متمسک، ۱۳۸۳، ۴۶) حقوق

اشخاص موکول و وابسته به شرایطی است که در هر موقعیت دارند. تفاوت‌ها الزاما به معنای تبعیض و بی‌عدالتی محسوب نمی‌شوند. این مفهوم، در ساخت حقوقی کشور باید فهم شود. مثلا جنسیت به خودی خود نمی‌تواند باعث محرومیت از تحصیل در رشته‌ای خاص یا مشاغل خاص برای زن یا مرد باشد. (مشیرسلیمی، ۱۳۸۷، ۲۰) این تفسیر، عینا مطابق است با آنچه قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل بیستم مقرر کرده است. در این اصل می‌خوانیم که «همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (منصور، ۱۳۹۰، ۳۸) مفهوم این اصل آن است که تفاوت جنسیتی با رعایت موازین اسلام موجب تبعیض میان افراد نیست. این دقیقا مرادف معنای عدالت جنسیتی در ساخت حقوق اساسی جمهوری اسلامی است. اصول متعدد قانون اساسی ایران و قوانین عادی و اسناد بالادستی، خانواده محوری و عدالت اجتماعی فارغ از جنسیت را تضمین کرده است. از جمله اصول سوم، ۱۰، ۲۰، ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی نظیر "سیاست‌های کلی خانواده" به طور خاص و "سند چشم انداز ۲۰ ساله" و "سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه" به صورت عام موضوع خانواده را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۳، ۱۶) همچنین هیأت وزیران در جلسه ۲۱/۶/۱۳۹۷ به پیشنهاد شماره ۱۲۲۵۷ مورخ ۹/۲/۱۳۹۷ معاونت رئیس جمهور در امور زنان و خانواده و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ماده (۳) آیین نامه تشکیل ستاد ملی زن و خانواده موضوع مصوبه شماره ۷۰۵۶/۹۰/دش مورخ ۲۱/۶/۱۳۹۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد که خود نشان از اهمیت قضیه و توجه به ابعاد مختلف مسائل زنان در جامعه می باشد. که این بند از آیین نامه موید همین مطالب است: "کلیه دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - موظفند شاخص های تعیین کننده عدالت جنسیتی به تفکیک جنس را تعیین و نسبت به گردآوری داده های آماری آن اقدام نمایند. از اصلی ترین اهداف عدالت جنسیتی دستیابی به عدالت میان زنان و مردان برای تضمین رسیدن به توسعه پایدار محسوب می شود. (جلالی، ۱۳۹۱، ۶۲).

۶- حق اشتغال

فرازپایانی از هدف هشتم این سند بیان می دارد: "اشتغال شرافتمندانه برای همه" البته با این توضیح که به جهت "ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره ور". مقصود از زنان

نیز به طور مشخص جنس مؤنث درمقابل جنس مذکر است و همانطور که ذکر شد شامل سه گروه خاص می شود: ۱- زنان متأهل؛ ۲- زنان سرپرست خانواده و ۳- زنان مجرد. به نظر آنچه محل نزاع می تواند باشد اینست که آیا تحقق این امر درخارج برای همه ی طیف های زنان که نام برده شده امکان پذیر است؟ با توجه به عرف جوامع از دیرباز تاکنون، مرد رئیس خانواده و نقش نان آور را بر عهده دارد و زن نقش بانوی خانه را ایفا می نمود. با این توضیح مقدماتی به بررسی موضوع اشتغال زنان در جهان معاصر پرداخته و سپس اشتغال زنان را از منظر آموزه های دینی و فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار می دهیم.

۶-۱- اشتغال زنان در جهان معاصر

با وقوع انقلاب صنعتی دراروپا و تبدیل کارهای خانگی به کارخانه ها و تبدیل نیروی انسان به نیروی ماشین، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زنان در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. (جوکار، ۱۳۹۱، ۱۱۲) در ایران نیز در دروه های قبل و بعد ازاسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه، زنان صرفا در زمینه خانواده نقش اول را داشتند و فعالیت های آنان عمدتا محدود به کارهای خانه می شد (جارالهی و همکاران ۱۳۹۹، ۲۵۸ و ۲۵۷). از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم به دلیل ارتباط وسیع ترایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی، اقتصادی جامعه و در نتیجه تغییرات در زندگی و موقعیت زنان پایتخت و شهرهای بزرگ گردید. از جمله فعالیت هایی که زنان به آن اشتغال داشتند: کارگری در کارخانه های نساجی، قالی بافی و شیلات بود. بنابراین می توان چنین استنباط نمود که چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای درحال توسعه، حضور زنان در برخی انواع مشاغل محدود و فعالیت آنان در مشاغل سطوح بالا و تصمیم گیری ها بسیار اندک بوده، در هر صورت امروزه در جوامع غربی این امر به عنوان اولین و مهم ترین نقش زن مطرح شده است و نقش مادری و همسری و ادامه سنت های فرهنگی به عنوان نقش دوم و فرعی مدنظر قرار می گیرد. (حبیبی ۱۳۹۶، ۱۴۸) به همین دلیل عنوان می شود در جوامع صنعتی، بسیاری از عملکردهای سنتی خانواده از بین رفته یا به شدت دگرگون شده است. (لنسکی ۱۳۷۶، ۴۶۷ و ۴۶۸) مبرهن است اشتغال زنان در این دوره به منظور تکریم و بالا بردن منزلت زن نبوده و فقط جوامع صنعتی درصدد برطرف کردن نیاز خود به نیروی کار ارزان بودند. و اما در گذشته ی نه چندان دور وجود طبقات ممتاز در ایران موجب شد زنان از حیث اختیارات و مزایای

اجتماعی به دودسته تقسیم شوند: زنان اشراف و بزرگان، زنان طبقه پایین‌تر، هر دودسته از زنان از حقوق اقتصادی و اشتغال بهره‌ای نداشتند و فقط زنان طبقه اشراف از زندگی بهتری نسبت به زنان طبقه پایین‌تر برخوردار بودند. (مظفری ۱۳۷۴، ۱۲۱) و اما در عربستان قبل از اسلام که رفتار و نگاه رقت‌انگیز آنان به زنان جای تعجب ندارد، فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان اصلاً مطرح نبوده است. (عبدالحمید محمد ۱۴۱۱، ۲۱ و ۲۲). با توجه به موارد ذکر شده به نظرمی رسد دغدغه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی در طرح و وضع اسناد بین‌المللی خصوصاً سند ۲۰۳۰ و هدف هشتم آن پیرامون اشتغال برابر زنان و مردان در جوامع امروزی پیشینه‌ی بسیار سیاه دولتها در برخورد و نگاه به جنس زن و اشتغال آنان بوده است. غرب با نادیده گرفتن تفاوت‌های تکوینی و طبیعی زن و مرد، برابری حق اشتغال زنان و مردان را مطرح می‌کند، از همین روی تبعیض در این مورد کاملاً در جوامع غربی مشهود است. در این جا لازم است به ذکر برخی از آن‌ها بپردازیم: گره‌زدن نسکی در کتاب سیر جوامع بشری این گونه می‌نویسد: "در مجلس سنای امریکا، برای مثال، تمام کرسی‌ها در اختیار مردان است. از بدو شکل‌گیری کشور امریکا تا کنون هیچ زنی موفق به احراز سمت ریاست جمهوری نشده است. در جامعه شوروی سابق، تسلط مردان از هر لحاظ چشم‌گیرتر است، در تمام سال‌های عمر اتحاد جماهیر شوروی تنها یک زن به عضویت دفتر سیاسی حزب کمونیست درآمد حتی در کمیته مرکزی حزب کمونیست که بازتر است، زنان فقط ۳٪ اعضا را تشکیل می‌دادند. (نسکی ۱۳۷۶، ۴۵۸) یا کارمندان دفتری زن در بریتانیا از ۶۰٪ درآمد هم‌تایان مردشان برخوردارند و فروشندگان زن ۵۷٪ درآمد مردها را در همان شغل به دست می‌آورند. (گیدنز ۱۳۸۲، ۱۹۲) یا در سوئد همانند آلمان، درصد زنان در مدیریت‌ها به اندازه صفر است. (سفری ۱۳۸۸، ۱۳۷) از دیگر خصوصیات جامعه سوئد آمار بالای طلاق و فرزندان نامشروع، ناپایدار بودن نهاد خانواده، آزادی‌های جنسی بی‌حد و حساب و زندگی مشترک بدون ازدواج است. (گیدنز ۱۳۸۲، ۳۳۱ و ۳۳۲) به این ترتیب، در غرب نوعی تقسیم کار «مردانه» و «زنانه» به چشم می‌خورد. به طور کلی نگرش سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی به زن و حقوق او از منظر انسان‌شناسی غربی است. که در آن آزادی‌های زنان در حد بسیار زیاد لحاظ شده، بدون این که سرشت زنانه او و نقشی که به عنوان همسر یا مادر دارد، مدنظر قرار گرفته باشد. که با ماهیت فرهنگ و با مدهای دیگر جوامع بشری مخصوصاً مسلمانان مغایرت دارد.

همانطور که در مطلب قبلی اشاره شد، در عصری که جوامع بشری برای زن هیچ گونه حقوق اقتصادی و اشتغال قائل نبودند و حتی زن از حقوق اولیه انسانی محروم بود، اسلام برای زن حقوق مالی و اقتصادی قائل بود. یکی از حقوق دانان در این خصوص می‌نویسد: استقلال که زن در اموال خود دارد وفقه شیعه از ابتدا آن را شناخته است، در یونان، روم و ژرمن و تا چندی پیش هم در حقوق غالب کشورها وجود نداشته است. (شایگان ۱۳۳۱، ۳۶۶) اشتغال زنان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شکلی گسترده به چشم می‌خورد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند. (مه‌ریزی ۱۳۷۸، ۵۸) البته با توجه به این نکته که اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد. به جرات می‌توان ادعا کرد، با ظهور اسلام کرامت انسانی زن احیا شد. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زنان صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند. (ابوفارس ۲۰۰۰، ۱۹ و ۲۰) زینب، دختر جحش به صنایع دستی اشتغال داشت. (ابن اثیر ۱۴۱۵، ۵: ۵۶۵) زنی به نام زینب پزشک قبیله بنی داوود بود و مریضان را مداوا می‌کرد. (جوادی ۱۴۲۲، ۴: ۶۲۰) زنانی بسیار به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند مانند سلامه و ام‌هانی. و زنانی چون قیله مادر بنی نمار به تجارت اشتغال داشتند. (ابن اثیر ۱۳۶۴، ۵۳۵ و ۴۷۷) با توجه به آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان که ذکر شد معلوم می‌شود، حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. تأیید حق مالکیت زنان بر اموالشان طبق آیه ی " لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ " (نساء، ۳۲) " برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است " مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است (ر.ک. طباطبایی ۱۳۵۷، ۴: ۳۳۷ و طبرسی ۱۳۳۸، ۳: ۶۴). و از آیاتی چون: " وَاتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ " (جمعه، ۱۰) " از فضل خدا جویا شوید ". " ...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... " (هود، ۶۱) " او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن بر گماشت ". معلوم می‌شود که این آیات به طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب (ع) پیامبر الهی، یاد کرده که به کار چوپانی و دامداری اشتغال داشته اند که حکایت از آن دارد که نه تنها در دین مبین اسلام بلکه در ادیان آسمانی از آدم تا خاتم مبحث اشتغال مورد توجه خداوند تبارک و تعالی بوده است " (قصص، ۲۳) بر حسب روایات وارده نیز زنان

مسلمان در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین، در مشاغل گوناگون همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، اجاره املاک، تولید مواد خوشبوکننده، چوپانی، خیاطی و مانند آنها به عنوان شغل درآمدزا مشغول بوده اند و مورد نهی یا ردی قرار نگرفته اند، (مجلسی، ۱۴۰۴) به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند: "روسپی گری و آوازخوانی در مجالس گناه". ارزش معنوی کارتا حدجهاد فی سبیل الله ارتقاء بخشیده شده است. (کلینی ۱۳۶۵، ۸۸ : ۵). بنابراین برحسب قواعد اولیه ازدیدگاه اسلام کارهای مجاز برای زن و مرد جایز می باشد، بلکه مورد توصیه و تأکید است. (شهین مولاوردی، ۱۳۷۹، ۳).

۶-۳- اشتغال از منظر حقوق و قوانین جاری کشور

با بررسی موضوع اشتغال در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نه تنها تبعیض به مفهوم اجحاف قانونی به زن به چشم نمی خورد، بلکه مجموعه‌ای از تسهیلات و امتیازات همچون کار نیمه وقت، مهدکودک، مرخصی زایمان، بازنشستگی زودرس و ... برای استحکام خانواده مقرر شده است. (بهزادپور ۱۳۷۸، ۱۵۸ و ۱۵۹). اهم قوانین در این زمینه به شرح ذیل است: -قانون اساسی : بر اساس بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی: " دولت موظف است شرایط و امکانات کار را برای همه [اعم از زن و مرد] به منظور رسیدن به اشتغال کامل فراهم سازد و وسایل کار را در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند قرار دهد". یا اصل ۲۱ قانون اساسی "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم گرداند و حمایت از مادران، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده، ایجاد بیمه برای زنان و ... " از اهم این موارد است. (جهانگیر ۱۴۰۳، ۶۵). -قانون استخدام کشوری: به طور کلی در قانون استخدام کشوری محدودیتی در استخدام و حالت‌های مختلفی که در طول خدمت مستخدم احتمال وقوع آن وجود دارد، از لحاظ جنسیت مشاهده نمی‌شود. شرط تصدی مشاغل، توانایی انجام دادن و داشتن شرایط احراز شغل است. (مظفری ۱۳۷۴، ۱۳۵). -قانون کار: در وضع و تدوین قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز سعی بر این بوده است که نه تنها مقاله نامه‌ها و توصیه نامه‌های بین‌المللی در مورد زنان مورد توجه قرار گیرد، بلکه با توجه به منزلتی که اسلام برای زنان قائل است، مقررات به نحوی تدوین گردد که زنان علاوه بر اشتغال در مشاغل گوناگون قادر باشند به وظایف خطیر خود در خانواده عمل کنند و در ضمن خصوصیات روحی و جسمی زنان نیز مدنظر قرار گرفته است.

مظفری (۱۳۷۴، ۱۴۱) مقررات خاص کار زنان عمدتاً در مبحث چهارم از فصل سوم قانون کار در مواد ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ به صورت فشرده به این مباحث توجه داشته است. ممنوعیت انجام کارهای سخت وزینبار، محاسبه نودروز برای مرخصی زایمان، کاربردتروسبک‌تر برای زنان بدون کسرحق‌السعی، تساوی دستمزد در صورت انجام کار برابر و ممنوعیت هر نوع تبعیضی در این خصوص از اهم موارد فصل سوم قانون کار می‌باشد. (جهانگیر ۱۴۰۳، ۶۵). -قانون تامین اجتماعی: در قانون تامین اجتماعی کشور نیز مقرراتی برای حمایت از برابری زن و مرد در اشتغال پیش‌بینی شده است که در اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸، ۱۵۷) به این موارد اشاره شده است: "کمک هزینه ازدواج و کمک عایله‌مندی به بیمه شده مرد یا زن، قانون بازنشستگی پیش از موعد زنان، تقلیل ساعت کار بانوان قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری وراث کارمندان و برقراری حقوق وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان اناث. -سیاست‌های تدوین شده در شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون اشتغال زنان: شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در راستای برنامه ها و اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خود، در سال ۱۳۷۰ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرد که ضمن آن بیان می‌دارد: "...اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و اداری برای تحقق عدالت جنسیتی به سهولت انجام گردد، ایجاد محیط کار اجتماعی بانوان که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان را فراهم آورد بطوریکه صدمه و آسیبی نبینند، تخصیص تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرایی به طوریکه زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض، شغل مطلوب خود را به دست آورند... (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱).

۷- نتیجه گیری

تدوین یک سند بین المللی باید بر اساس مبانی، اصول، آرمان‌ها و فرهنگ ملت‌ها و کشورها باشد. که سند ۲۰۳۰ فاقد آن است و این مساله نه تنها استقلال فرهنگی کشورها بلکه به طور اخص استقلال فرهنگی کشور ما را تهدید می‌نماید و این برنامه در تناقض با اسناد بالادستی آموزشی و فرهنگی کشور است. نتایج حاصله پیرامون هدف چهارم مشخص می‌کند، همانگونه که ارزش و اهمیت علم و دانش اندوزی و آموزش زنان مورد توجه دین مبین اسلام بوده است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن طرح این مسئله بر اختصاص امکانات و شرایط مساوی مردان و زنان در جهت تعلیم و علم آموزی تأکید شده است. وجود پشتوانه چند صد ساله عقیدتی در خصوص

تأکید بر حقوق بر آموزش زنان و تدوین قوانین متعدد داخلی درخصوص آموزش و پرورش، کشور را بی نیاز از سایر برنامه‌های وارداتی می‌نماید. در مورد هدف پنجم سند، یافته‌ها حاکی از آن است که تأکید بر این مورد موجب می‌شود زن هویت تکوینی زنانه و مادرنه خود را از دست داده و به مردی تبدیل شود که هیچ حقوقی برای زن بودنش قائل نمی‌شوند. سند ۲۰۳۰ توانمندسازی زنان را از طریق تساوی به معنای یکسانی حقوق زن و مرد دنبال می‌کند اما اسلام درصدد توانمندسازی زنان با تأکید بر استعدادها و متفاوتی زنان با مردان است. و اما در زمینه اشتغال زنان به این نتیجه رسیدیم، اساس قوانین فقهی و حقوقی و اسناد بالادستی بر این پایه شکل گرفته که بر حسب توانایی و استعداد زنان که در برخی حوزه‌ها متفاوت از مردان است، اشتغال معنا می‌یابد. و در کشور ما بر اساس احکام قرآنی و فقهی نه تنها مانعی جهت اشتغال زنان ایجاد نمی‌گردد بلکه زنان با توجه به جایگاه و منزلت ویژه خود در اجتماع حاضر و به انجام مسئولیت‌های مختلف و متنوع مشغول می‌باشند و قوانین مختلف حقوقی نیز کاملاً شمول و محدوده‌ی فعالیت زنان در کنار مردان را مشخص نموده‌اند و در این راستا نیازی به اسناد بین‌المللی خصوصاً سند ۲۰۳۰ نداریم. و به عنوان سخن آخر اینکه محققین و پژوهشگران می‌توانند اهداف دیگر سند ۲۰۳۰ را از جهات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد واکاوی جدی قرار دهند تا زوایای پنهان آنها نیز مکشوف گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن‌اوی، میثم؛ لیراوی زهر(۱۳۹۹). بررسی تطبیقی سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار سازمان یونسکو و موازین اسلامی، ایرانی. تهران: اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت.
- آذربایجانی، مسعود(۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. مجله مطالعات کاربردی زنان. کتاب زنان، شماره ۴۶.
- آشتیانی، منوچهر(۱۳۹۲). پیشرفت، توقف ناپذیری، غیرقابل برگشت بودن. سوره اندیشه، شماره ۱۴.
- باقرزاده، محمدرضا(۱۳۸۸). نیم‌نگاهی به حقوق زن در اسلام، نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان. فصلنامه معرفت، شماره ۷.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). مبانی فلسفی فمینیسم. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- بهزاد پور، سیمین‌دخت (۱۳۷۸). زن در توسعه مفاهیم اسلامی. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- پیروزی، مهرانا (۱۳۹۶). سند سازمان ملل متحد دگرگون ساختن جهان ما دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه

- پایدار. تهران: صندوق کودکان ملل متحد در ایران و دفتر منطقه ای یونسکو.
- پورمنوچهری، سید علی، آبانگاه، هادی (۱۴۰۱). بازشناسی فقهی تربیت جنسی و مطابقت آن با سند ۲۰۳۰. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. سال ۱۸، شماره ۲. ص ۱۱-۳۴.
- جارالهی، عذرا و همکاران (۱۳۹۹). زمینه های بازگشت زنان ازدواج کرده به مدرسه. مدیریت مدرسه، شماره ۲.
- جلالی، محمد و سیده فاطمه موسوی (۱۳۹۱)، حقوق زنان از منظر اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۵.
- جوکار، مریم (۱۳۹۱). گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی. مجموعه مقالات سومین نشست و اندیشه های راهبردی زن و خانواده، تهران: انتشارات آیین.
- حبیبی، حسن (۱۳۹۶). مجموعه مقالات زن و انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
- حسینی، سیده معصومه (۱۳۸۳). تفاوت های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: چاپ خانه مجلس.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران. تهران: انتشارات سازمان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۴). آرمان ها و اهداف توسعه هزاره. ترجمه سیدمهدی آرایبی و همکاران. تهران: انتشارات سازمان مدیریت.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۰). نگاه جنسیتی به کار و تأثیر آن بر توسعه انسانی. مجله تخصصی زبان ادبیات دانشگاه مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دوره: ۳۴ شماره: ۴-۳ صفحات: ۷۳۱-۷۶۰.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۸). جامعه شناسی اشتغال زنان. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- شایگان علی (۱۳۳۱). شرح قانون مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.
- صادقی سبزواری، محمدمومنصوره کریمی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سند ۲۰۳۰ بر خانواده بارویکرد فقه حکومتی، گفتمان فقه حکومتی، سال دوم، شماره ۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی. مترجم: محمد باقر کمره ای. تهران: انتشارات سرور.
- کچوئیان، حسین (۱۳۹۰). نظام اجتماعی غرب: تجدد، توسعه و ویرانگری، تاملی تاریخی بر توسعه و نسبت آن با علوم اجتماعی و برنامه ریزی. سوره اندیشه، شماره ۵۶ و ۵۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- غمامی، سید محمد مهدی؛ مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸). چالش های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار سند ۲۰۳۰. حکومت اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. جلد دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- منصور، جهانگیر (۱۴۰۳). قانون اساسی. تهران: چاپ دوران.
- لنسکی، گرهارد (۱۳۷۶). سیر جوامع بشری. مترجم: ناصر موفقیان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی آموزش انقلاب اسلامی.

- . متمسک، رضا(۱۳۸۳). تصویری ستودنی و موجی از مخالفت؛ در حاشیه حذف عدالت جنسیتی از برنامه چهارم توسعه". مجله حوراء، شماره ۷.
- . مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی(۱۳۷۱). سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجلس
- . مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی(۱۳۷۳). فرهنگ اقتصادی. تهران: پیشبرد
- . مشیر سلیمی، علی‌اکبر(۱۳۸۷). گزارش همایش آشنایی با یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها.
- . مصفا، نسرین(۱۳۹۵). نقش یونسکو در ترویج علم. فصلنامه ترویج علم، سال اول، ش اول.
- . مطهری، مرتضی(۱۳۷۷ش). یادداشت‌ها. جلد ۵، تهران: انتشارات صدرا.
- . مطهری، مرتضی(۱۳۸۱). نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- . مظفری، بهجت الملوک(۱۳۷۴). مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا.
- . معین، محمد(۱۳۷۱). فرهنگ لغات فارسی. تهران: امیرکبیر.
- . مقدمی، خمami(۱۳۹۸). چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار فصلنامه حکومت اسلامی. دوره ۲۴، شماره ۱ - صفحه ۳۲-۵
- . مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۹۲ش). تفسیر نمونه با همکاری جمعی از نویسندگان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- . مهریزی، مهدی(۱۳۷۸). امام خمینی و گستره آزادی زنان. ماهنامه پیام زن، مهرماه، ۱۳۷۸.
- . مولاوردی، شهین(۱۳۷۹). جنبش‌های اجتماعی زنان. تهران: بازتاب اندیشه، شماره سوم.
- . منصور، جهانگیر(۱۴۰۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دوران نهاد ریاست جمهوری(۱۳۹۵). منشور حقوق شهروندی. تهران: انتشارات نهاد ریاست جمهوری.
- . هاشمی، سید محمد(۱۳۸۴). قانون اساسی و حاکمیت مردم. نشریه حقوق اساسی، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۳۲۵-